

برنامه پنج‌ساله جدید چین

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از ۲۰ تا ۲۳ اکتبر، چهارمین مجمع عمومی خود را در پکن برگزار کرد. در این نشست در باره پانزدهمین برنامه پنج‌ساله کشور بحث و به آن جهت داده شد. این طرح، نقشه سیاست‌گذاری معتبر و رسمی دولت چین برای اقتصاد این کشور طی پنج سال آینده خواهد بود. اگر چه طرح نهایی تا مارس ۲۰۲۶ منتشر نخواهد شد، اما بیانیه نشست اکتبر نشانه اولیه‌ای از جهت‌گیری آینده سیاست اقتصادی چین را ارائه می‌کند. این برنامه بر اقتصاد آمریکا، رهبری بین‌المللی آمریکا در بسیاری از حوزه‌های تجارت، علم، اقتصاد، فناوری و سیاست خارجی، و همچنین امنیت ملی آمریکا طی سال‌های آینده تأثیر چشمگیری خواهد داشت. از دهه ۱۹۷۰ تا امروز، طرح‌های پنج‌ساله چین که در ابتدا مبتنی بر الگوی سختگیرانه شوروی بود به اسناد راهبردی منعطف‌تری تبدیل و تحت رهبری دنگ شیائوپینگ و ژو رنګجی، «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» پایه‌رشد چین در حوزه اقتصاد و فناوری شده است. بیانیه اخیر حزب کمونیست نشان می‌دهد چین قصد دارد جایگاه خود را در صنایع پیشرفته تقویت کند و با تکیه بر «نوآوری» و «خودتکایی علمی و فناوریانه» به قدرتی پیشرو بدل شود. این سند همچنین بر پیوند عمیق‌تر فناوری و ارتش، تقویت امنیت ملی و یکپارچگی صنایع نظامی و غیرنظامی تأکید دارد؛ روندی که نشان‌دهنده اهمیت رقابت راهبردی با آمریکا است، هر چند نامی از آن برده نشده است. فراخوان این بیانیه برای «خودتکایی» بازتابی از تلاش چین برای کاهش وابستگی به کشورهای غربی در حوزه‌های حساس است. در این شرایط، آمریکا باید این تحولات را از منظر اقتصادی، فناوری و امنیتی ارزیابی کند؛ زیرا افزایش قدرت چین در حوزه صنعتی و فناوری، همراه با گسترش جهانی فناوری‌های تولید داخل و سیاست‌های سخت‌گیرانه داده و تأمین مواد حیاتی، بر همه ابعاد رابطه چین و آمریکا اثر خواهد گذاشت. چین برای تقویت توسعه فناوری در تلاش است دانشمندان و پژوهشگران برجسته، به‌ویژه آن‌هایی که در آمریکا هستند را جذب کند یا بازگرداند. سیاست‌های اخیر آمریکا که به کاهش بودجه و محدودیت‌های پژوهشی انجامیده، مهاجرت علمی را افزایش داده و این وضعیت از نگاه یک پکن فرصت است. رهبران پیشین چین اعزام دانشجوی به خارج را ابزاری برای تحول کشور می‌دانستند و بازگشت آن‌ها موجب اصلاحات اقتصادی و رشد نوآوری بومی شد. امروز چین دیگر تنها به فناوری خارجی متکی نیست و در حوزه‌هایی مانند پهپاد، رباتیک، خودروهای برقی، تراشه، AI و هوش مصنوعی پیشگام شده است؛ رشدی که با سرمایه‌گذاری گسترده دولت و بخش خصوصی پشتیبانی می‌شود. شین پینگ قصد دارد چین را به قدرت برتر فناوری جهان تبدیل کند و نفوذ شرکت‌های چینی را در زیرساخت‌های جهانی گسترش دهد. از نگاه مقام‌های چینی، پیشرفت آینده به جذب هرچه بیشتر استعدادهای داخلی و خارجی بستگی دارد. کاهش جذابیت علمی آمریکا و معرفی وزیر جدید «KI» توسط چین، این روند را برای پکن آسان‌تر کرده است. چین اگرچه اتحادیه‌های نظامی کمی دارد، اما شبکه‌ای گسترده از همکاری‌های اقتصادی و فناوری با کشورهای مانند سنگاپور و دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا ایجاد کرده است. شرکت‌هایی مثل هواوی و پروژه‌هایی در حوزه انرژی خورشیدی، بنادر و خودروهای برقی این پیوندها را تقویت کرده‌اند و به چین کمک می‌کنند اکوسیستم دیجیتال بسیاری از کشورهای جنوب جهانی را شکل دهد. برنامه پنج‌ساله جدید چین نیز احتمالاً بر تقویت همین روابط متمرکز است تا نفوذ پکن را در تدوین قواعد اقتصادی و فناوری قرن بیست‌ویکم افزایش دهد. این در شرایطی است که آمریکا از برخی عرصه‌های بین‌المللی عقب‌نشینی کرده است. چین شکاف‌ها و مناقشات داخلی آمریکا در باره حمایت از پژوهش و نوآوری و کاهش نقش این کشور در نهادهای اقتصادی جهانی را نشانه‌ای از افول توان رهبری واشنگتن می‌بیند. در داخل، برنامه‌ریزی پنج‌ساله چین، با مشورت گسترده با کارشناسان و بخش خصوصی، به انسجام و پیش‌بینی‌پذیری بیشتر سیاست‌گذاری کمک می‌کند، هر چند تصمیم نهایی با حزب کمونیست است. با وجود این مزیت‌ها، سیستم چین مشکلات جدی دارد: بیکاری بالای جوانان، سرمایه‌گذاری بیش از حد در بخش‌های دارای سازاد تولید، ضعف سرمایه‌گذاری خصوصی و چالش‌های تنظیم هوش مصنوعی. به علاوه جذب کامل استعدادهای خارجی برای چین هنوز دشوار است. آمریکا اکنون با قدرتمندترین رقیب اقتصادی و فناوری قرن اخیر روبه‌روست. این در حالی است که خود گرفتار شکاف‌های سیاسی و بی‌ثباتی داخلی است که توان تاریخی این کشور را برای رهبری جهانی تضعیف می‌کند. در چنین وضعی، چین با تکیه بر پیشرفت‌های فناوری و روایت‌هایی درباره ناکارآمدی آمریکا در جنوب جهانی نفوذ بیشتری کسب می‌کند. رهبران آمریکا باید رقابت با چین را زنگ بیدارباش و فرصتی برای ایجاد وحدت داخلی و بازسازی بنیان‌های اقتصادی و راهبردی ببینند. سیاست‌های مندرج در سند یک قدرت بزرگ دیگر در آن سوی اقیانوس آرام، همچون زنگ بیدارباشی است که توانایی و اراده واشنگتن را برای رسیدگی به چالش‌های داخلی و خارجی، و همچنین پیشبرد اصول و منافع خود در مواجهه با واقعیت‌های قرن بیست‌ویکم می‌آزماید.



سیاست يك تیر و دو نشان

بررسی اهداف اصلی استراتژی آمریکا در کارائیب برای توقیف نفتکش‌ها



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

ظاهراً ایالات متحده معتقد است که حفظ امنیت نیمکره غربی فقط با تسلط نظامی حاصل نمی‌شود بلکه باید این منطقه را از دولت‌های ضدآمریکایی پاک کرد. همه شواهد نشان می‌دهد که واشنگتن معتقد است با حذف این دولت‌ها، ممکن است بهتر بتواند دشمنان فرمانطقه‌ای‌اش را از فرصت ایجاد جای پای در نیم کره غربی محروم کند. هدف این استراتژی به‌طور خاص دولت‌های ونزوئلا، کوبا و نیکاراگوئه هستند چرا که همگی این کشورها روابط سیاسی و اقتصادی بسیار نزدیکی با روسیه و چین دارند.

توقیف سه نفتکش حامل نفت ونزوئلا در هفته‌های گذشته، نشانه‌ای از عزم جدی آمریکا برای اجرای این استراتژی است. از آنجایی که کوبا و دولت ونزوئلا، به‌ویژه در حوزه‌های انرژی و اطلاعاتی، بسیار نزدیک هستند، فشار بیشتر بر کاراکاس، به‌طور اتوماتیک فشار زیادی بر دولت کوبا وارد می‌کند.

مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که این کشتی‌ها را به دلیل حمل نفت تحریم‌شده از مقصد ونزوئلا هدف قرار دادند. با فرض صحت این ادعا باید گفت که اینها اولین محموله‌ها از این نوع از زمان اجرای تحریم‌های ونزوئلا در سال ۲۰۱۹ هستند که توقیف می‌شوند. گزارش‌هایی مبنی بر اینکه این کشتی‌ها موقعیت‌شان را پنهان می‌کردند و یا موقعیت‌شان را به اشتباه گزارش می‌کردند سوءظن آمریکا در این خصوص که این کشتی‌ها مربوط به ناوگان سایه هستند را تقویت کرده است.

آمریکا اعلام کرده که به توقیف نفتکش‌ها ادامه خواهد داد. از این جهت است که ترافیک نفتکش‌های ورودی و خروجی به ونزوئلا کاهش یافته است. البته به نظر می‌رسد نفتکش‌های تحت مدیریت شرکت نفتی آمریکایی شورون استثنا هستند. اگر چه این شرکت قیمت نفت خام ونزوئلا را کاهش داده است، اما سخنگویش در گفت‌وگو با خبرنگاران گفته که عملیات تولید نفتش را بدون وقفه ادامه می‌دهد. کاملاً بدیهی است که کاهش ترافیک نفتکش‌ها، دسترسی دولت مادورو به درآمدهای نفتی و توانایی‌اش در دسترسی به

دلار آمریکا را کاهش خواهد داد. این کاهش دسترسی به دلار آمریکا به‌طور طبیعی موجب خواهد شد دولت مادورو نتواند کالاهای ضروری را از جمله مواد غذایی وارد کند. بنابراین در هفته‌های آینده باید شاهد بازار سیاه مواد غذایی و یا افزایش قیمت بیش از اندازه مواد غذایی در این کشور باشیم؛ این یعنی به خطر افتادن امنیت غذایی در ونزوئلا و کمبود غذا، یک محرک اساسی برای شورش‌های خیابانی و افزایش جرم و جنایت است.

این استراتژی آمریکا برای کوبا نیز مشکلات اقتصادی ایجاد می‌کند. مقصد نفتی که توسط حداقل یکی از این کشتی‌های توقیف‌شده حمل می‌شد، بندر ماتانزاس کوبا بود. اما این کشتی هرگز به مقصد نرسید. نفتی که این نفتکش حمل می‌کرد حدود ۵۰ هزار بشکه بود. آنطور که گزارش‌ها می‌گویند، قرار بود این کشتی عازم بنادر شمالی کوبا باشد اما کاپیتان کشتی، کشتی را به سمت شرق هدایت کرد و کشتی توسط نیروهای آمریکایی توقیف شد. وزارت امور خارجه کوبا به سرعت اعلام کرد که توقیف این کشتی «سیاست فشار حداکثری و خفان اقتصادی ایالات متحده را تشدید می‌کند.» کوبا برای تأمین نیازهای مصرفی خود به واردات انرژی از خارج متکی است. ونزوئلا در کنار روسیه و مکزیک، دهه‌هاست که تأمین‌کننده اصلی نفت کوبا بوده است. در سال ۲۰۰۰، فیدل کاسترو، رهبر سابق کوبا، با هوگو چاوز، رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا، قراردادی امضا کرد که براساس آن ونزوئلا متعهد شد حدود ۱۰۰۰۰۰ بشکه فرآورده‌های نفتی به صورت روزانه به کوبا ارسال کند. این فرآورده‌ها با قیمت‌های ترجیحی فروخته می‌شدند و پرداخت بخشی از آن از طریق خدمات کوبایی‌هایی که در ونزوئلا کار می‌کردند (یعنی پزشکان) انجام می‌شد. این خدمات نیز بیشتر توسط پزشکان کوبایی که در ونزوئلا مشغول به کار بودند ارائه می‌شد. پنج سال بعد، کوبا به یکی از اعضای اصلی «پتروکاریب» تبدیل شد. پتروکاریب یک برنامه تأمین نفت بود که توسط ونزوئلا آغاز شد. این برنامه به کشورهای حوزه کارائیب که درآمد اندکی داشتند و به شدت به انرژی نیاز داشتند، اجازه می‌داد نفت ونزوئلا را با تخفیف خریداری کنند. دولت ونزوئلا در خصوص پرداخت وجه محموله نفتی به این کشورها یک دوره تنفس می‌داد و بازپرداخت را در قسط‌های طولانی‌مدت

توقیف نفت‌کش‌های ونزوئلا نه تنها با هدف فشار بر دولت مادورو و تغییر دولت در این کشور، بلکه با هدف فلج کردن اقتصاد کوبا و تغییر دولت در این کشور، انجام می‌شود. در واقع این استراتژی به قول ما ایرانی‌ها یک تیر دو نشان است. البته بعید نیست که در آینده به استراتژی یک تیر سه نشان نیز تبدیل شود. باید منتظر ماند و دید که هدف سوم کدام کشور منطقه کارائیب است

با نرخ بهره بسیار پائین تنظیم می‌کرد اما از زمانی که تولید نفت ونزوئلا کاهش یافت و قیمت نفت نیز افول کرد، این برنامه سخاوتمندانه فروش نفت متوقف شد و صرفاً و اختصاصاً فقط برای کوبا ادامه یافت.

البته دولت کوبا هم تلاش کرده تا تولید انرژی داخلی خود را بیشتر کند. در واقع، چندین مخزن نفتی در سواحل کوبا وجود دارند که سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده معتقد است ممکن است در مجموع ۴/۶ میلیارد بشکه نفت و ۹/۸ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی داشته باشند. با این حال، کوبا برای توسعه و استخراج از این مخازن با چالش‌های زیادی روبه‌رو است. دولت کوبا کنترل تمام ذخایر هیدروکربن را در اختیار دارد چرا که همه معادن و منابع طبیعی در کوبا ملی است و تحت کنترل دولت است و هیچ شرکت خصوصی‌ای وجود خارجی ندارد. علاوه بر این تحریم‌های ایالات متحده علیه کوبا، شرکت‌های خارجی را از سرمایه‌گذاری در توسعه صنعت نفت کوبا منع می‌کند. اما کوبا برای به‌روز کردن تولید، به دسترسی به فناوری‌های اکتشاف و استخراج و همچنین ارتقاء ظرفیت بنادر و پالایشگاه‌هایش به سرمایه نیاز دارد.

بنابراین زمانی که هیچ سرمایه‌ای وجود نداشته باشد کوبا نیز همچنان به محموله‌های نفتی ارسالی از ونزوئلا، نیاز حیاتی خواهد داشت. طبق اعلام وزارت انرژی و معادن دولت آمریکا، کوبا تنها می‌تواند یک‌سوم نفت خام مصرفی خودش که معادل ۴۰ هزار بشکه در روز هست را تولید کند. آمارهای اخیر که شبکه بلومبرگ اعلام کرده نشان می‌دهد کوبا در حال حاضر به صورت روزانه بین ۲۴ تا ۵۲ هزار بشکه نفت از ونزوئلا وارد می‌کند. مکزیک هم صرفاً روزانه حدود ۵ هزار بشکه نفت خام مورد نیاز کوبا را تأمین می‌کند.

برآوردهای بلومبرگ نشان می‌دهد کوبا در ۱۰ ماه اول سال جاری میلادی در مقایسه با سال ۲۰۲۴، ۳۳ درصد کمتر نفت خام و سوخت وارد کرده است. کاهش واردات انرژی، بحران انرژی در کوبا را تشدید می‌کند بنابراین نیروگاه‌ها، شبکه حمل و نقل زمینی و صنعت کشاورزی کوبا فلج خواهد شد. اخیراً، نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، پیشنهاد ایجاد یک «برنامه بین‌المللی انرژی و برق» را برای حمایت از کوبا در مبارزه با محاصره ایالات متحده و رفع چالش‌هایش

